

قلم هور

قلم هور

کامنامه

فرهنگی

سیاسی

اجتماعی ادبی

شماره سوم

اردیبهشت ۱۴۰۵

ویژه نامه

فرهنگ در آینه رضوی

مجموعه فرهنگ و هویت رضوی

عَلَيْهِ السَّلَام

خادم امام رضا افتخار من است

حقاً و انصافاً خدمت آستان مقدس امام هشتم عليه السلام وقتی با شرایط و شئون ویژه‌ی آن انجام بگیرد، از بزرگترین ارزشها و بزرگترین افتخارات است و امروز چنین چیزی میسور است و وجود دارد، بنده هم افتخار می‌کنم اگر چه به نام و نه به عمل جزء شما هستم و مشرف به خدمت این آستان قدسم ... این سخن دل را با شما در میان بگذارم که دل ما آن جایی است که شما همواره در آن جا مشرفید و خوشا به حالتان و حقیقتاً شیرین‌ترین لحظات برای بنده، آن لحظاتی است که به آستان قدس مشرف می‌شوم.

عبدالله
۶۷/۰۹/۱۷



شناسنامه

صاحب امتیاز : محمدحسین سبهانی
مدیر مسئول : محمدحسین سبهانی

سردبیر و ناظر بر هیئت تحریریه : مهدی جادری پور
هیئت تحریریه:
علاء خواجه
حسین بن سعید
مهدی جادری پور
علی کردی

ویراستار: حسین کشتکاران

گرافیست و صفحه آرا: مهدی مریدی پور

کانال نشریه قلم هور :

<https://eitaa.com/joinchat/3249735090C2a92a1a1ba>

راه ارتباطی با مدیر مسئول :
ایتا @MHS84S

فهرست

۱ لحظه دیدار

۲ معرفت؛ از نادیدنی‌ها تا دیدن

۳ کرامت انسانی و عقلانیت دینی بر اساس سیره رضوی

۵ تبیین فرهنگ رضوی در پیوند با سبک زندگی ایرانی-اسلامی

۶ جایگاه زنان و خانواده در سیره رضوی



لحظه دیدار

تصور کن. بعد از ساعتها راه، بعد از روزها انتظار، ناگهان در میان شلوغی شهر، نقطه ای از نور را میبینی که افق را دگرگون کرده است. گنبد طلایی. همان نقطه ای که قلبها از دور برایش میتپد. قدمها سنگین تر و در عین حال سبکتر میشوند. سنگین از هیبت لحظه، سبک از امید دیدار. توی کوچههای منتهی به حرم، بوی کباب و عطر اسپند در هم گره خورده. و حالا، اینجا. روبروی ایوان طلا. دست روی سینه گذاشته‌ای، نگاهت خیره شده به ضریحی که نور را از خودش عبور نمیدهد، اما دل را با خود میبرد. بعضیها می‌گویند زیارت یعنی همین حس. بعضی دیگر می‌گویند یعنی همین گم شدن در میان جمعیت. اما بزرگان دین چیز دیگری می‌گویند. آنها می‌گویند زیارت، بدون یک چیز، فقط یک بازدید است. فقط یک سفر.

آن یک چیز چیست؟

عارفاً بحقه

زیارت عارفانه. زیارتی که با معرفت آغاز میشود و به تحول ختم می‌گردد. در این مطلب، از همینجا شروع میکنیم. از معنای ایستادن در برابر ضریح. از فلسفه سلام دادن. از پشت پرده آیینی‌هایی که شاید هزار بار انجام داده باشیم، اما هیچوقت از خودمان نپرسیده باشیم: چرا؟



معرفت؛ از نادیدنی‌ها تا دیدن

حدیث عارفاً بحقه؛ سند روایی زیارت

در منابع معتبر حدیثی، روایات معتبری از حضرت امام صادق ع نقل شده است که ایشان در توصیف فضیلت زیارت امام رضا (ع) می‌فرمایند:

سه مؤلفه معرفت به حق امام

بر اساس همین پژوهش، شناخت حق امام سه مؤلفه اساسی دارد:

۱. باور به وجوب اطاعت از امام - پذیرش مرجعیت معنوی و فکری امام؛ این باور، زائر را از یک بازدیدکننده به «پیروی‌کننده آگاه» تبدیل میکند.

۲. شناخت امام به عنوان حجت خدا بر مردم - درک این نکته که امام، نماینده الهی بر روی زمین است و سخن او، سخن خداست.

۳. ادعان به نقش امام به عنوان واسطه فیض الهی - فهم این حقیقت که برکات مادی و معنوی از طریق وجود امام به خلق میرسد.

هنگامی که زائر با این سه مؤلفه وارد حریم میشود، زیارت او دیگر یک سفر تفریحی نیست. به قول پژوهشگران، بازسازی پیمان با امام و بازتعریف هویت دینی فرد و جامعه اسلامی است.

برای نمونه: **يَخْرُجُ وَلَدٌ مِنْ ابْنِي مُوسَى اسْمُهُ اسْمُ امِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ الصَّلَاةُ وَ السَّلَامُ الي اَرْضِ طُوسٍ، وَ هُمْ بِخُرَاسَانَ، يُقْتَلُ فِيهَا بِالسَّمِّ، فَيُدْفَنُ فِيهَا غَرِيْبًا، مَنْ زَارَهُ عَارِفًا بِحَقِّهِ اَعْطَاهُ اللّهُ تَعَالِي اَجْرَ مَنْ اَنْفَقَ مِنْ قَبْلِ الْفَتْحِ وَ قَاتَلَ**

ترجمه ی حدیث: فرزندی از پسر موسی که همنام امیرالمؤمنین (ع) است، به جانب سرزمین طوس در خراسان می‌رود و در آن جا با زهر کشته شده و غریبانه دفن می‌شود، کسی که او را با شناخت حق وی (به اینکه آن حضرت امام واجب اطاعت است) زیارت کند، خدای تعالی پاداش کسی را که قبل از پیروزی، انفاق نموده و جنگیده است به وی عطا می‌نماید. (بحار الانوار ص ۲۸۶)

کرامت انسانی و عقلانیت دینی بر اساس سیره رضوی

غذا، غلامان خود را نیز می‌نشانند و می‌فرمودند: «خدای همه یکی است، دین همه یک دین است، و پدر، آدم است.» این جمله، چکیده‌ای از فلسفه‌ی کرامت انسانی در سیره‌ی رضوی است؛ انسان به حیث انسان بودن، گرامی است و هیچ امتیاز بیرونی نمی‌تواند آن را کم یا زیاد کند. تفکر رضوی،

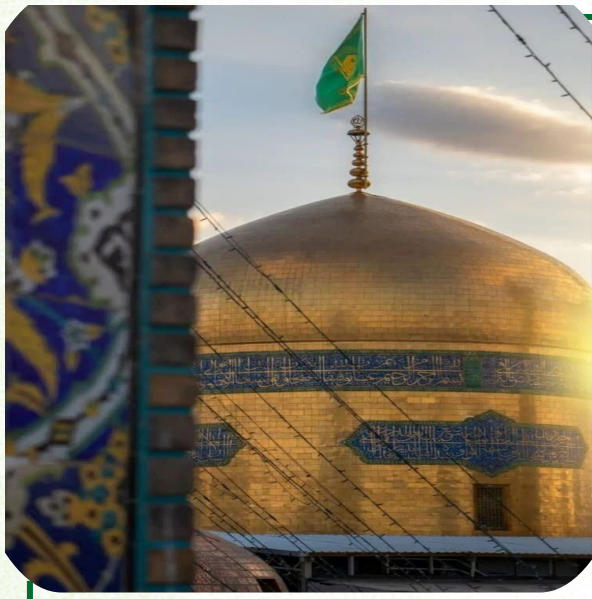
کرامت انسانی یکی از بنیادی‌ترین آموزه‌های اسلام و شاخص‌ترین جلوه‌ی انسان در برابر هستی است؛ اصلی که بر محور عقلانیت و آزادی در انتخاب راه حق شکل می‌گیرد. نگاه اسلام به انسان، نگاهی تکریم‌آمیز و مسئولانه است؛ انسان موجودی است برخوردار از عقل، اختیار و استعداد رشد و قرب. این کرامت نه به‌عنوان امری قراردادی یا اجتماعی، بلکه به‌مثابه حقیقتی الهی در ذات انسان نهفته است. امام رضا (ع) در سیره و سخنان خود این حقیقت را بارها مورد تأکید قرار داده‌اند و عقلانیت را ریشه‌ی حفظ و شکوفایی این کرامت معرفی کرده‌اند. ز دیدگاه امام رضا (ع)، کرامت انسان زمانی معنا می‌یابد که عقل، محور رفتار و اندیشه‌ی او باشد. در منطق رضوی، عقل نه صرفاً ابزار دانستن، بلکه نوری درونی برای شناخت حق، تشخیص خیر از شر و پیمودن مسیر بندگی است. امام، عقل را ملاک دین‌داری حقیقی می‌دانستند و بارها اشاره کرده‌اند که دین بدون عقل، پوسته‌ای بی‌جان است و ایمان بدون معرفت، به تعصب و جمود می‌انجامد. از این نگاه، میان عقل و دین تقابل وجود ندارد؛ عقلانیت، راه فهم دین و تجلی عملی کرامت انسانی است.

در سیره‌ی رضوی، جلوه‌های گوناگونی از احترام به انسان، فارغ از جایگاه اجتماعی یا اعتقادی، دیده می‌شود. امام رضا (ع) در برخورد با مخالفان فکری خود، حتی جبریان، قدریان، دهریان و اصحاب ادیان دیگر، همواره با متانت، احترام و منطق سخن گفتند. مناظرات ایشان با علمای ادیان گوناگون، تصویر روشنی از عقلانیت دینی و کرامت انسانی در رفتار ایشان است. امام نه با تندی و تحقیر، بلکه با برهان و ادب، مسیر گفت‌وگو را می‌گشودند و حقیقت را با زبان عقل عرضه می‌داشتند. این رویکرد، الگویی ماندگار از همزیستی عقل و ایمان در جامعه اسلامی است. در رفتارهای اجتماعی امام رضا (ع) نیز احترام به شأن انسان جایگاه ویژه‌ای دارد. ایشان هیچ‌گاه کسی را بر اساس فقر، نژاد، یا موقعیت اجتماعی تحقیر نمی‌کردند. در روایت آمده است که امام بر سر سفره‌ی

عقلانیت دینی نه تنها پایه‌ی معرفت، بلکه شرط سلوک معنوی است. امام رضا (ع) عقل را «حجت درونی خدا» می‌دانستند، چنان‌که پیامبران حجت بیرونی‌اند. این تعبیر بیانگر پیوند میان عقل و وحی است؛ عقل مکمل وحی و راه فهم آن است، نه رقیبش. کرامت انسان نیز از همین جایگاه خردورزی زاده می‌شود، زیرا انسان وقتی در پرتو عقل و وحی حرکت کند، از دام جهل، ترس و اسارت‌رهایی می‌یابد و به مقام انسانی خود نزدیک‌تر می‌شود.

جداگانه، بلکه درهم‌تنیده‌اند؛ عقلانیت دینی پاسدار کرامت است، و کرامت انسانی حاصل بروز عقل الهی در رفتار انسان مؤمن.

عقلانیت دینی در سیره‌ی رضوی، عقل ابزاری و صرفاً محاسبه‌گر نیست، بلکه عقل هدایت‌شده است؛ عقلی که در پرتو وحی رشد می‌کند و از افراط و تفریط مصون می‌ماند. امام رضا(ع) در تبیین جایگاه عقل، آن را «حجت باطنی» می‌دانستند و پیامبران را «حجت ظاهری». این تعبیر نشان می‌دهد که از منظر ایشان، میان عقل و وحی رابطه‌ای تکمیلی برقرار است. وحی بدون عقل فهم نمی‌شود و عقل بدون هدایت وحی ممکن است دچار خطا گردد. چنین نگاهی، هم از جمود فکری جلوگیری می‌کند و هم از نسبی‌گرایی افراطی. در نتیجه، عقلانیت دینی رضوی، الگویی متعادل برای زیست مؤمنانه در جهان پیچیده‌ی انسانی ارائه می‌دهد.



کرامت انسانی در سیره‌ی امام رضا(ع) تنها در عرصه‌ی نظری و گفتاری محدود نمی‌شود، بلکه در رفتارهای روزمره‌ی ایشان نیز جلوه دارد. گزارش‌های تاریخی نشان می‌دهد که امام با خدمت‌گزاران، غلامان و اقشار ضعیف جامعه با نهایت احترام رفتار می‌کردند. ایشان سفره‌ی خود را از آنان جدا نمی‌کردند و بر برابری ذاتی انسان‌ها تأکید داشتند. این رفتار در زمانی که ساختارهای اجتماعی به شدت طبقاتی بود، معنایی عمیق و تحول‌آفرین داشت. امام با این شیوه، کرامت را از سطح شعار به سطح عمل آوردند و نشان دادند که ایمان راستین با تحقیر دیگران سازگار نیست.

در برابر جریان‌های فکری عصر خود که گاه عقل را در تقابل با ایمان قرار می‌دادند یا از سوی دیگر عقلانیت را تا مرز شکاکیت می‌کشاندند، امام رضا(ع) مسیر میانه و پویایی ارائه دادند: عقل باید در خدمت معرفت الهی و اصلاح اجتماعی باشد. ایشان با بیان‌های حکیمانه خود نشان دادند که عقلانیت اگر در چارچوب الهی هدایت شود، انسان را به سعادت و جامعه را به عدالت می‌رساند. بر این اساس، عقلانیت دینی رضوی، عقل بنیادگرا نیست که در حصار نصوص بی‌تأمل بماند، و نه عقل سکولار است که از معنویت جدا شود، بلکه عقل هدایت‌شده به سوی کمال انسانی است.

در نظام اخلاقی امام رضا(ع)، کرامت انسان ملاک تمام تعاملات اجتماعی است. ایشان توصیه می‌کردند که مؤمن باید با ادب، انصاف و محبت با دیگران رفتار کند، زیرا توهین و تحقیر دیگران، در واقع اهانت به خلقت خداوند است. همین نگرش در حوزه‌ی سیاست و حکومت نیز معنا دارد؛ همان‌گونه که امام رضا(ع) در شرایط تاریخی خاص ولایت‌عهدی مأمون قرار گرفتند، برخورد و منش ایشان سرشار از دعوت به عدالت، آزادی اندیشه و رعایت حقوق مردم بود. ایشان با پایداری در بیان حق، در عین حفظ حرمت انسان‌ها و حتی مخالفان، عقلانیت ایمانی را در عرصه‌ی عمل سیاسی نشان دادند.

کرامت انسانی در سیره‌ی رضوی همچنین با مسئولیت انسان نسبت به خویشتن و جامعه پیوند دارد. امام رضا(ع) می‌فرمودند که بزرگ‌ترین گناه آن است که انسان شأن خود را بشکند و به پستی تن دهد. از دید ایشان، حفظ کرامت نه فقط در رابطه با دیگران، بلکه در نگاه انسان به خود نیز اهمیت دارد. خودشناسی مقدمه‌ی خداشناسی است، و انسانی که قدر عقل و اختیار خود را بداند، به قرب الهی می‌رسد. عقلانیت در این مقام، چراغ راه است؛ راهی برای شناخت ارزش وجودی و استفاده‌ی درست از آزادی در چارچوب معرفت الهی.

سیره‌ی رضوی به ما می‌آموزد که کرامت و عقل دو روی یک سکه‌ی انسانیت‌اند. کرامت بدون عقل به احساس صرف و شعار تبدیل می‌شود، و عقل بدون کرامت، به سردی و خودخواهی می‌گراید. در نگاه امام رضا(ع)، ایمان آگاهانه و عقل معتقد، اساس جامعه‌ی سالم است؛ جامعه‌ای که در آن هر فرد شأن الهی خود را در رفتار و باور حفظ می‌کند. چنین جامعه‌ای به انسان مجال اندیشیدن و انتخاب آزاد می‌دهد، در حالی که ارزش‌های الهی را بنیاد زندگی قرار می‌دهد.

از این‌رو، کرامت انسانی و عقلانیت دینی در سیره‌ی رضوی نه مفاهیمی

تبیین فرهنگ رضوی در پیوند با سبک زندگی ایرانی-اسلامی

ارزش‌هاست. توجه به کرامت انسانی، گفت‌وگو با پیروان ادیان، علم‌آموزی، مدارا، ساده‌زیستی و توجه به نیازمندان از اصول آن است. یکی از جلوه‌های مهم، رفتار امام با مردم عادی و خدمت‌گزاران بود. در روایتی، امام رضا (ع) هنگام صرف غذا، خدمت‌گزاران و کارگران را بر سر سفره می‌نشاندند و اجازه نمی‌دادند فاصله طبقاتی ایجاد شود. ایشان فرمودند که همه انسان‌ها از یک ریشه‌اند و برتری تنها به تقوا و اخلاق است. این رفتار با فرهنگ ایرانی هم‌خوانی دارد؛ سفره در سنت ایرانی نماد همدلی و پیوند اجتماعی است. این رفتار می‌تواند الگویی برای کاهش شکاف‌های طبقاتی در جامعه امروز و ایجاد فضایی عادلانه‌تر در محیط‌های کاری و آموزشی باشد.

برای به‌کارگیری سبک زندگی رضوی، بازخوانی این ارزش‌ها ضروری است. تقویت گفت‌وگو، رعایت کرامت انسانی در فضای مجازی، عدالت اجتماعی و تشویق جوانان به علم‌آموزی از راهکارهای عملی آن است. در مجموع، فرهنگ رضوی با تأکید بر کرامت، عقلانیت، مدارا و عدالت، راهنمایی عملی برای تحقق سبک زندگی ایرانی-اسلامی در جامعه امروز است

سبک زندگی به مجموعه‌ای از رفتارها، ارزش‌ها و باورهای گفته می‌شود که شیوه زندگی فردی و اجتماعی انسان را شکل می‌دهد. در جامعه ایران، سبک زندگی ایرانی با پیشینه‌ای طولانی و ریشه‌دار، در تعامل با آموزه‌های اسلامی شکل تازه‌ای پیدا کرده و به «سبک زندگی ایرانی-اسلامی» تبدیل شده است. فرهنگ رضوی برگرفته از سیره امام رضا (ع) می‌تواند الگویی عملی برای تحقق این سبک زندگی باشد.

سبک زندگی ایرانی ریشه در تاریخ، سنت‌ها و فرهنگ مردم این سرزمین دارد. خانواده‌محوری، مهمان‌نوازی، روحیه همیاری و نوع‌دوستی، احترام به بزرگ‌ترها و پرهیز از اسراف از ارزش‌های آن است. با ورود اسلام، این ارزش‌ها با تعالیم اسلامی هماهنگ شد و پیوندی عمیق شکل گرفت. برای مثال، اهمیت خانواده، مهمان‌نوازی، نوع‌دوستی، احترام به بزرگ‌ترها و قناعت در هر دو فرهنگ مشترک است. سبک زندگی ایرانی-اسلامی حاصل این پیوند طبیعی و تاریخی است. در این میان، سبک زندگی رضوی نمونه‌ای روشن از این

جایگاه زنان و خانواده در سیره رضوی

در منظومه فکری و عملی اهل بیت (ع)، خانواده صرفاً یک نهاد اجتماعی نیست، بلکه نخستین مدرسه انسان‌سازی، کانون آرامش، و بستر رشد معنوی و اخلاقی جامعه است. در این میان، سیره نورانی امام رضا (ع) تصویری روشن، عمیق و کرامت‌محور از جایگاه زن و خانواده ارائه می‌دهد؛ تصویری که می‌تواند برای انسان امروز، به‌ویژه در روزگاری که خانواده با چالش‌های گوناگون فرهنگی و اجتماعی روبه‌روست، راهگشا و الهام‌بخش باشد. در سیره رضوی، زن پیش از آن‌که در چارچوب کلیشه‌های رایج تعریف شود، به عنوان انسانی صاحب کرامت، دارای هویت مستقل، و برخوردار از منزلت الهی مورد توجه است. نگاه امام رضا (ع) به زن، نگاهی ایزاری یا حاشیه‌ای نیست؛ بلکه زن را عنصری اثرگذار در ساخت حیات فردی و اجتماعی می‌داند. این نگرش، ریشه در تعالیم اسلامی دارد که ارزش انسان را نه در جنسیت، بلکه در تقوا، معرفت، اخلاق و نقش‌آفرینی مسئولانه او جست‌وجو می‌کند. از همین رو، زن در سیره رضوی، محور مهر، تربیت، آرامش و تداوم فضیلت در خانواده است. یکی از مهم‌ترین جلوه‌های این نگاه، توجه به حرمت و تکریم زن در محیط خانواده است. خانواده در فرهنگ رضوی، میدان سلطه و تحکم نیست، بلکه عرصه مودت، احترام متقابل و هم‌افزایی عاطفی است. زن در این فضا، نه تنها شریک زندگی، بلکه شریک مسیر رشد و تعالی خانواده به شمار می‌آید. اگر خانواده را اصلی جامعه بدانیم، زن در

این هسته، نقشی

بنیادین در حفظ

گرمای انسجام

و معنویت

دارد. این

جایگاه،

البته به

معنای

محدود

کردن

زن به

نقش‌های

سنتی و

تقلیل

شخصیت او

نیست؛ بلکه بیانگر



آن است که نقش زن در خانواده، نقشی سازنده، تمدن‌ساز و هویت‌آفرین است. از منظر سیره رضوی، خانواده سالم بر پایه محبت و عدالت شکل می‌گیرد. در چنین خانواده‌ای، زن باید از امنیت روانی، احترام شخصیتی و آرامش عاطفی برخوردار باشد. هرگونه تحقیر، بی‌توجهی، نادیده گرفتن شخصیت زن، یا کاستن از منزلت او، با روح سیره اهل بیت (ع) ناسازگار است. امام رضا (ع) با تأکید بر اخلاق نیکو، خوش‌رفتاری و رعایت حقوق دیگران، به‌طور غیرمستقیم بنیان نظری تکریم زن در خانواده را استوار می‌سازد. مرد در این الگو، موظف به حفظ حرمت همسر، تأمین آرامش خانواده و رفتار کریمانه است؛ و زن نیز در پرتو همین کرامت، نقش خود را در تعالی خانه و تربیت نسل به بهترین شکل ایفا می‌کند. همچنین، در سیره رضوی خانواده جایگاه ویژه‌ای به عنوان محیط پرورش فضایل انسانی دارد. زن در این محیط، غالباً نخستین منتقل‌کننده ایمان، عاطفه، ادب و معنویت به فرزندان است. این نقش، از سر اجبار یا وظیفه‌ای صرفاً زیستی نیست، بلکه برخاسته از توان والای روحی و عاطفی او در انسان‌سازی است. زن آگاه، مؤمن و کریم‌النفس، می‌تواند نسلی تربیت کند که در آن، ایمان با محبت، و اخلاق با عقلانیت همراه باشد. به همین دلیل، منزلت زن در نگاه رضوی، با نقش تربیتی و فرهنگی او نیز پیوندی عمیق دارد. نکته مهم دیگر آن است که سیره رضوی، خانواده را محل سکون، آرامش و همدلی می‌داند. در جهانی که مناسبات انسانی به‌تدریج رو به سردی و فردگرایی می‌رود، بازخوانی این نگاه می‌تواند نجات‌بخش باشد. اگر زن در خانواده مورد تکریم باشد، اگر شخصیت او فهمیده شود، اگر حضورش منشأ آرامش و احترام تلقی شود، خانواده به پناهگاهی امن برای همه اعضا تبدیل می‌شود. در چنین فضایی، فرزندان نیز احترام، محبت، مسئولیت‌پذیری و دینداری را نه در قالب شعار، بلکه در متن زندگی می‌آموزند. امروز بیش از هر زمان دیگری، جامعه ما نیازمند بازگشت به الگوهای اصیل دینی در حوزه زن و خانواده است. سیره امام رضا (ع) به ما می‌آموزد که حفظ کرامت زن، تقویت بنیان خانواده، و ایجاد روابطی مبتنی بر محبت و اخلاق، سه ضلع اصلی حیات طیبه خانوادگی‌اند. زن در این نگاه، قلب تپنده خانه و سرچشمه آرامش و تربیت است؛ و خانواده، بستر اصلی رشد انسان. اگر این دو حقیقت در پرتو سیره رضوی به درستی فهم و اجرا شوند، بسیاری از آسیب‌های فرهنگی و اخلاقی جامعه نیز کاهش خواهد یافت.



قلم هور را در ایستا دنبال کنید

قلم هور



دانشگاه فقیهان